

مهرگان

۲

اهمیت جشن مهرگان از حیث جنبه مذهبی از نتیجه مقالات فوق بر ما کاملاً هویدا میشود. زیرا جشنی که مربوط به چنین فرشته بزرگی باشد پیداست که در نزد مزدیسنان چه مقامی خواهد داشت، و در نتیجه همین اهمیت است که پارسیان را در باب روز مهرگان پندار هائی مخصوص بود و علمای زردشتی روز مهرگان را فضیلتی مخصوص قائل بودند و می گفتند که در قلّه کوه شاهین با آنکه در تمام ایام تابستان سیاهیئی دیده میشود در بامداد روز مهرگان سفیدی مشاهده میگردد که در تمام احوال چه در تاریکی و چه در روشنائی و چه در ابر بودن هوا پیدا و آشکار است. دارمستر میگوید که اهمیت این روز از آن جهت است که ابتدای ایام زمستان بزرگ «زین» میباشد و از حیث موقعیت در نقطه مقابل نوروز قرار دارد. اما از اتفاقات تاریخی آنچه که بنا بر عقیده پارسیان سبب اهمیت جشن مهرگان شده است ظفر یافتن فریدون بر ضحاک و قیام کاوه بر بیوراسپ (ضحاک) و پیدایش مشیه و مشیانه «آدم و حواء» در این روز است چنانکه بعد بیاید. باری اهمیت مهرگان بحدی است که آنرا تالی جشن نوروز میدانند و جهتی اینست که این دو عید دو حد فاصل ارسال میباشد نوروز دلیل بر آمدن فصل گرما یعنی بهار و تابستان «هم» و مهرگان دلیل بر دخول فصل سرما یعنی پائیز و زمستان (زین) ۴ میباشد، و از نویسندگان قدیم عمر بن بحر جاحظ بصری در یکجا بدین امر اشاره میکند؛ اما جای تعجب است که: «برخی مهرگان را بر نوروز برتری داده اند، همچنانکه پائیز را بر مرتبت از بهار والاثر شمرده اند

۱ - آثار الباقیه طبع لایپزیک ص ۲۲۲-۲۲۳.

۲ - زنداوستا ص ۴۴۳ ج ۲.

۳ - هم Hama و زین Zayana بنا بر آنچه در بوندهشن آمده است دو فصل میباشد که اولی یعنی هم تابستان و مشکل از هفت ماه یعنی ۱۲۰ روز و دومی زمستان و مرکب از ۵ ماه و ۵ روز یعنی ۱۵۵ روز بوده است و همین دو فصل است که در عصر ساسانیان ب چهار فصل و هار Vahar و هامین Hamin و پائیز Pätiz و زمستان Zamistan تبدیل یافته است. رجوع شود به صفحه ۴۰ از ج ۱ کتاب زنداوستا. دارمستر - صفحه ۲۳۱ از مقدمه ترجمه فرانسوی اوستا - هارلز.

۴ - التاج فی اخلاق الملوك ص ۱۴۶.

و اعتماد آنان در احتیاج برای اثبات این عقیده قول ارسطو است در جواب اسکندر وقتی که ازو درباره بهار و یائیز سؤال کرد و ارسطو در جواب اسکندر گفت که ای پادشاه بهار ابتدای نشوء یسگان است و یائیز اول نابود گشتن آنان پس به همین جهت یائیز از بهار برتر است.»^۱

ولی بنا بر یک قول دیگر یارسیان چنانکه سلمان یارسی از ضحاک بزرگ محمد بن عبدالله (ص) گفته است: نوروز و مهرگان را تقریباً در مقام یکی فرض کرده می‌گفتند که: « خداوند در نوروز یاقوت را برای زینت بندگانش ظاهر کرده و در مهرگان زبرجد را، پس فضل این دو روز بر سایر ایام مثل برتری یاقوت و زبرجد است بر سایر گوهرها.»^۲

بهترین سببی که میتوان برای پیدایش جشن مهرگان بیان کرد وقوع روز مهر است در ماه مهر، چنانکه قبلاً **سبب پیدایش جشن مهرگان** گفته شده است، ولی بعضی گویند که جهت پیدایش جشن مهرگان غلبه فریدونست بر ضحاک و حبس کردن او در کوه دماوند^۳ و نیز برخی گویند که در این روز فریدون قبل از دفع ضحاک بر تخت جلوس کرد و از نیروی مردم آنرا جشن گرفتند؛ و دسته ای سبب آنرا استبشار مردم به خروج فریدون بر ضحاک بعد از قیام کاوه دانسته اند، و یارسیان گویند که در این روز خداوند زمین را بگسترانید و اجساد را خالق کرد تا اینکه قرارگاه ارواح باشند و در این روز ملائکه یاری و مددکاری کاوه آهنگر کردند.^۶ و چنانکه از مندرجات بندهشن بر میآید مشیه و مشیانه در این روز از نطفه کیومرث بوجود آمده اند.^۷ استاد ابوالقاسم فردوسی جشن مهرگان را منسوب بزمان فریدون دانسته میگوید:

۲۰۱ - آثار الباقیه ص ۲۲۳-۲۲۲ .

۳ - الفهیم بیرونی - مروج الذهب مسعودی ص ۱۱۴ ج ۳ چاپ، پاریس .
المحاسن والاضداد جاحظ ص ۲۳۳ و ۲۳۴ . تاریخ الامم والملوک طبری . شرح یست باب گونا بادی و فرهنگهای آندراج و برهان قاطع و انجمن آرا و برهان جامع .

۴ - فرهنگ آندراج .

۵ - آثار الباقیه ص ۲۲۲ .

۶ - برهان قاطع . انجمن آرای ناصری . آثار الباقیه ص ۲۲۲ .

۷ - یشتها - اسم کیومرث : گیومرثن Gayô-maretan میاشد و بنا بر آنچه از نصول ۱۴ و ۳۴ پرندش بر میآید گیومرثن در ۶۰۳۰ سال پس از خلقت عالم مرد و چهل سال بعد از مشیه Mashya و مشیانه Mashyana نخست بشکل دودرخت از نطفه کیومرث بوجود آمده اند . پیدایش مشیه و مشیانه (که فی الحقیقه میتوان آنها را آدم و حوا تعبیر کرد) در ۶۰۷۰ بعد از خلقت عالم بوده است - رجوع شود به صفحات ۲۷۷ و ۲۲۵ از مقدمه اوستای هارلز .

بیاراست با کاخ شاه شهی	برسم کیان تاج و تخت مهی
گرفتند هر کس ره بخردی	زمانه بی اندوه گشت از بدی
بسر بر نهاد آن کیانی کلاه	بروز خجسته سر مهر ماه
جهان نور داد از سر ماه نو	می روشن و چهره شاه نو
گرفتند هر یک ز یاقوت جام	نشستند فرزندگان شاد کام
با این یکی جشن نو ساختند	دل از داورها پیرداختند
همه عنبر و زعفران سوختند	بفرمود تا آتش افروختند
تن آسانی و خوردن آئین اوست	یرستیدن مهر لان دین اوست

و گویند که در این روز خداوند ماها را روشنی داد و حال آنکه پیش ازین کره‌ای تاریک بود و ایرانشهری گفته است که خداوند میثاق نور و ظلمت را در روزهای نوروز و مهرگان گرفته است ۱.

وجه تسمیه مهرگان دروجه تسمیه مهرگان و اینکه این کلمه چگونه پدید آمده است اغلب در فرهنگها و بعضی از کتب قدیمه عقایدی اظهار شده است که چندان بحقیقت نزدیک نمینماید و بهترین وجه تسمیه مهرگان همانست که قبلا ذکر کرده ایم فقط چیزی که هست اهمیت و مقام شامخ مهرگان در نزد پارسیان باعث ایجاد افسانهائی راجع باین جشن گردید و قلم را بدست افسانه سرا بیان داد. بهر حال اقوال دیگری که دروجه تسمیه مهرگان و معنی آن آمده است و بعضی از آنها تا حدی بصواب نزدیک و اغلب ازحقیقت دور است بقرار ذیل است :

گویند که چون فریدون پس از دفع ضحاک بر تخت سلطنت نشست مردم بشکرانه این اتفاق جشن گرفتند و بعد از آن حکام نسبت برعابا مهربان شدند و چون مهرگان بمعنی محبت پیوستن است. بنابراین جشن جلوس فریدون بدین نام خوانده شد ۲ و برخی گویند که پارسیان را پادشاهی بود که مهر نام داشت و او که مردی ظالم و ستم پیشه بود در نیمه ماه مهر رخت از جهان بریست و مردم شادمان شدند و چون مهر بمعنی مرگ و گاوگان مترادف « پادشاه » یا « پادشاه ظالم » است این روز به « مهرگان » یعنی مرگ پادشاه ظالم موسوم شد ۳.

ابوریحان مهرگان را محبت روح میداند و در باب نامیدن این روز به مهرگان میگوید : « گویند که مهر اسم آفتاب است و آفتاب در این روز برای عالم ظهور کرد و ازین جهت این روز موسوم بمهرگان گردید و کسروی ۴ گفته است که موبد متوکلی را شنیدم که میگفت چون روز مهرگان فرارسد آفتاب در دایره‌ای که میان نور و ظلمت فاصله است طلوع کرده ارواح را در

۱ - آثارالباقیه طبع لایبزیك ص ۲۲۲.

۲ - برهان قاطع .

۳ - انجمن آراء، برهان قاطع .

۴ - اسم کسروی حمزة بن الحسن اصفهانی در کتاب تاریخ سنی ملوک الارض

والانبياء موسی بن عیسی ضبط کرده است .

اجساد تباه میکند و از نیروی پارسیانش میرگان نامیدمانند. «۲ بنا بر این مهرگان را بمعنی «میرگان» یعنی روز مرگ نیز دانسته اند. مهرگان را در زبان پهلوئی «مهرگان Mihrakan» و در زبانهای قدیمتر از آن «میشراکان Mithrakâna» میگویند. ۴.

در این باب چنانکه باید نمیتوان عقیده ثابتی اظهار کرد زیرا که در این موضوع نه سندی در دست است و نه قرائنی قوی. ولی باز بانگاء یکی دو قرینه می توان

مهرگان

زمان آنرا از روی تقریب و حدس معلوم ساخت. اگر مهرگان را چنانکه مشهور است از جشنهای مذهبی دین زرتشت بدانیم؛ چاریم که زمانش را از اواسط قرن ششم قبل از میلاد فروتر نیاوریم؛ اما چنانکه میدانیم تمام مورخین سلف مهرگان را بفریدون پادشاه داستانی ایران نسبت داده اند و ما از آنجا که نمیتوانیم قلم سهو بر جماعه عقاید آنان در این باب بکشیم مجبوریم که بدو فریدون را چنانکه باید بشناسیم و آنگاه برای یافتن زمان بیدایش جشن مهرگان بچستن عهد سلطنت فریدون همت گماریم. بنا بر این مقدمه باید دانست که:

این شخص را (که اغلب از نویسندگان و مورخین قدیم صاحب سلطنت یا نصد ساله اش میدانند) میتوان مؤسس سلسله ای شمرد که یا نصد سال دوام کرده باشد. راجع بفریدون سخنان اغلب نویسندگان قدیم یکنواخت است و از آنجا که تکرار اقوال آنانرا نتیجه ای نیست ما در اینجا فقط بذکر آنچه که از آثار ایرانی ماقبل اسلام راجع بفریدون بر میآید اکتفا میکنیم:

قضیه ضحاک و فریدون از داستانهای بسیار قدیمی آریین های هند و ایرانی Indo-iraniens میباشد و از آنجا که در زبان سانسکریت و اوستا هر دو ذکر شده است باید آنرا راجع بایامی دانست که هنوز هندوان و ایرانیان از یکدیگر جدا نشده بودند.

۱ - میر چنانکه امروزه درمازندران و سمنان (و شاید بعضی از ولایات دیگر)

مرسوم است اسم مصدر مردن و بمعنی فنا و زوال است.

۲ - آثار الباقیه ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۳ - دارمستر، زنداوستا ج ۲ ص ۴۴۳

Darmesteter. Zend -- Avesta, V. 2. P. 443.

۴ - در باب زمان زردشت اختلافات فراوان در کار است بترتیبی که بحث در

این موضوعرا خود مقاله مبسوط و مخصوص لازم است زیرا که از سه چهار قرن قبل از میلاد تا کنون نویسندگان و مورخین شرق و غرب هر يك بجوی خاص در این باب چیزی نگاشته اند و اکنون بطور اختصار باید دانست که زمان وی را از شش تا هشت هزار سال قبل از میلاد گرفته تا نیه قرن ششم قبل از مسیح باختلاف نگاشته اند و برای تحصیل اطلاع کامل از مسئله زمان زندگی زردشت رجوع شود بصحاحات ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ مقدمه ترجمه اوستا - هارلز.

چون ضحاک بر جمشید (یم Yima یسرو یوانها Vivānhat) تسلط یافت و به دستیاری سبئی تی یور Çpityura برادر جمشید او را باره دو نیم کردا دست بظام و جور گشود، تا اینکه اهورمزد و فریدون را از بی قلع و قمع ضحاک برانگیخت. اسم این مرد در اوستا تری ثون İhraetaona ۲ و اسم پدرش اتویه Athwya آمده است، و بنابر آنچه که از هوم یشت (فقرات ۲۵-۲۳) برمیاید عقیده مذهبی زرتشتیان بر اینست که اتویه دومین کسی است که عصاره گیاه هوم Hacme را در تشریفات مذهبی بکار برد؛ و در یاداش این کار فرزندی بوی عطا شد موسوم به تری ثون که ازی دهاک Azhi-dahak سه یوزه و سه سر و شش چشم را بکشت. و نیز چنانکه از آبان یشت (فقره ۳۳) برمیاید اتویه باید نام خانوادگی اجداد فریدون ویدروی باشد چه در اینجا میخوانیم که «اردویسورانا هیت Ardviçura - Anāhita» (آبان فرشته آنها) را بستای کسی که بدو تری ثون از خاندان اتویه ها بروی نجله های ورن Varena و برتریبی که از فقرات بعد (در همین یشت) بر میاید تری ثون از اردویسور تقاضا کرد که ویرا در دفع ضحاک کمک کند و اردویسور خواهش ویرا بر آورد.

اسم فریدون در حماسه ملی هندوان تری تنه ه و نام پدرش درودا آپ تیه Aptya آمده است. و همین کلمه اخیر میباشد که در پهلوی به آسیان مبدل شده. محل تولد فریدون شهر ورن Varena است و تفسیر های پهلوی این شهر را در جنوب دریای خزر قرار میدهند و معینا ذکر میکنند که بنا بر بعضی ماخذ ورن نام قدیمی کرمان میباشد.

در فصل ۳۸ از کتاب بوندهش سلسله نسب فریدون بدین گونه ذکر شده است:

۱ - زامیادیشت (یشت ۱۹) فقره ۴۷ - سبئی تی یور برادر جمشید است که برای خاطر ضحاک برادر خود بنا بر آنچه که از اساطیر ایرانی برمیاید باره دو نیم کرد و معنی سبئی تی یور « مرد سید سینه » میباشد. هارلز - اوستا کتاب مقدس مذهب زردشت ص ۵۴۸ .

۲ - وندی داد فرگرد اول - هوم یشت (یشت ۹) (یشت ۵) و غیره.

۳ - صفحات ۲۸۱ و ۴۱۷ و ۵۵۷ و ۶۰۶ اوستای هارلز.

۴ - نیاز عصاره گیاه هوم با سایر چیزهایی که در باب نیایش مهر ذکر کرده ایم (شماره ۷ همین مجله) فقط اختصاص یک ایزد یا یکی از عبادات مذهبی نداشته و در جمله تشریفات مذهبی بکار میرود و برای اطلاع کامل از آن رجوع شود به مقدمه زنداوستای دارمسترجع اول و مقدمه اوستای هارلز و کتاب اوستا تألیف آیل هولاک و مخصوصاً در صفحه ۱۸۱ از مقدمه اوستای هارلز طرز عبادت برای مهر شرح داده شده است.

۵ - داستانهای ایران قدیم .

۶ - ادبیات مزدیسنا شتها .

۷ - وندی داد فرگرد اول فقره ۶۹ .

۸ - هارلز اوستا ص ۱۱ .

تری نشون پسر بورنورا Purtrâ پسر سیاك تورا Çyaktôra پسر سمیت تورا
 Cpittôrâ پسر گفر تورا Gafartôrâ پسر رما تورا Ramâtôrâ پسر ون فرژسن
 Vanfargesn پسر یمه (جم) ۱ ...

و اوربجان بیرونی ساسله نسب فریدون را بدین ترتیب ضبط کرده است :
 افریدون بن انقیان کاوین انقیان نیکاوین انقیان شهرکاوین انقیان اخنکارین انقیان
 اسپید کاوین انقیان دیزه کارین نیفروش بن جم « ۲۰ »
 اما در باب زمان حکمروائی فریدون عتیقه صریحی نمیتوان اظهار کرد و فقط به

حدس میشود گفت که این شخص در بین قرون ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ ق. میزیسته است و این حدس در
 اثر بلست آوردن زمانهای تقریبی سلطنت جمشید و ایام تسلط منوچهر پیدامیشرد (زمان
 منوچهر را که باید پس از انقراض سلسله فریدونیان با سلطنت رسیده باشد قرن نهم قبل
 از میلاد تصور کرده اند) و چون نمیتوان سخن را در این باب بیسی از این بدرازا
 کشانید دیگر راجع باین موضوع بحثی نکرده و خوانندگان را بقرائت کتاب
 داستانهای ایران قدیم که در امثال این مواضع بحثهای مفصل و مفیدی می کند هدایت
 می نمایم .

در نتیجه دانستن زمان تقریبی فریدون چنین معلوم میشود که جشن مهرگان
 با دو جشن سده و بهمنچنه اگر واقعا از محدثات زمان فریدون باشد تقریباً در
 سنین مابین قرون ۱۴ و ۲۰ قبل از میلاد مسیح بوجود آمده است . و نیز اگر
 در پدید آمدن جشن مهرگان معتقد بوجود اعتقاد فریدون باشیم میتوانیم زمان
 تداول آنرا در بین قرون نهم و چهاردهم ق. قرار دهیم .

باری بهیچوجه نمیتوان زمان پیدایش جشن مهرگان را از اوایل عهد
 هخامنشی فروتر آورد، زیرا که آثار مورخین یونانی چنانکه بد خواهیم دید بما
 اجازه این تقریب و سهل انگاری را نمیدهند، دارمستتر میگوید که این عید طبیعی
 همانقدر قدیم است که ملت ایران ۲ ولی باید مدعن بود که قدمت این عید متناسب
 است با قدمت نیایش مهر .

ذبیح الهضفا

- ۱ - مقدمه اوستای هارلز ص ۲۲۶ - ولی آنچه را که هارلز در این باب از
 یوندهش نقل کرده است با سایر مقولات اندکی فرق است .
- ۲ - آثار الباقیه، طبع لایپزیک ص ۱۰۳ - ابرربجان لقب فریدون را (مورد) مینویسد .
- ۳ - زنداوستا ج ۲ ص ۴۴۳ .

رباعی

ای ساخته گشته از تو کنار گران من یار تو تو غمگسار گران
 من کرده کنار پر ز خون دیده از بهر تو تو در کنار گران
 انوری ایوردی